

اکبر رادی

گزارش
یا
یادداشت‌های یک کارمند

به کوشش:

بهر روز محمودی بختیاری
عضو هیات علمی دانشگاه تهران



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

اعمال یازدهمین سال درگذشت شادروان اکبررادی (۱۳۸۶-۱۳۱۸) است. رادی یقیناً از ستون‌های استوار ادبیات معاصر ایران است و از معدود نمایشنامه‌نویسان شاخص، حرفه‌ای و جریان‌ساز ایران به شمار می‌رود. «شاخص» به این اعتبار که نشر او نثری است ویژه، پخته، سرشار از مایه‌های فرهنگ عامه و مناسب شخصیت‌هایی که او آفریده است. «حرفه‌ای» به این مفهوم که او پنجاه سال مداوم تمایشنامه نوشت و با وجود بهره‌مندی از توانایی‌های بسیار و حوزه‌های یول‌سازتر، به آنها نگرید. و در نهایت «جریان‌ساز»، به این اعتبار که تسل بعدی رادی بسیار شیوه او را در ارائه «شخصیت» نمایشی به جای «تیپ» نمایشی (که در آثار حتی بزرگان هم نسل او جاری بود) پسندیدند و به کار گرفتند. رادی با نشر نمایشنامه روزنه آبی پا به عرصه حرفه‌ای

نمایشنامه‌نویسی نهاد و تا پایان عمر هم این عرصه را رها نکرد. اما جالب اینجاست که پیش از نشر روزنه آبی، داستان‌ها و دل‌نوشته‌های متعددی داشت که هرگز به چاپ نرسیده بودند و اخیراً توسط بانوی گرامی‌شان به من معرفی شدند.

دوازده متن منتشر نشده مرحوم رادی که در اختیار همسر ایشان است، شامل یک نمایشنامه، پنج داستان بلند و چهار داستان کوتاه است. در دهمین سال درگذشت مرحوم رادی، اینجانب پیشنهاد کردم که این آثار از گوشه گمنامی به در آیند و به دست اهل مطالعه و تحقیق برسند. از ایده استقبال شد، ولی این پرسش باقی ماند که «اگر مرحوم رادی انگیزه‌ای به حفظ و اشاعه این متون داشت، چرا خودش آنها را منتشر نکرد؟» ولی در عین حال این پرسش هم پدید آمد که «اگر آن شادروان به این متون باوری نداشت و میلی هم به حفظ آنها در خود نمی‌دید، چرا با این نظم و ترتیب و خط خوش تا پایان عمر آنها را به بهترین شیوه حفظ کرده بود؟». باور شخصی من این است که رادی نویسندگی را به جان دوست داشت و در حوزه‌های مختلف هم قلم می‌زد، ولی تمایلی نداشت که به حرفه‌ای جز نمایشنامه‌نویسی منسوب باشد. شاید یکی از دلایلی که خودش هم نام آثار نوشتاری غیرنمایشی خود را «سیاه‌مشق» خوانده، همین باشد.

با وجود این، اکنون و پس از ده سال از درگذشت او، به شناختی بهتر و عمیق‌تر از شخصیت هنری و نوشتاری رادی نیازمندیم. عمر نه چندان بلند رادی به او این امکان را نداد که این جنبه از کار خود را به مخاطبان‌ش بنمایاند، ولی اکنون که به جاودانگی رسیده، وظیفه

بازماندگان است که روح چند بعدی او را به گونه شایسته‌ای بشناسند و بشناسانند.

نوشته‌های منتشر نشده رادی عمدتاً به سالهای پایانی دهه ۱۳۳۰ متعلقند، یعنی دورانی که رادی جوانی نوخاسته و در اوایل دهه دوم حیات خود بوده است. خوانش این متون یقیناً به دوستداران او کمک خواهد کرد تا بدانند که او چه سیری را در رسیدن به نثر و الگوی پخته خود در نمایشنامه‌نویسی پیموده است، و به این یقین برسند که رادی هم (مانند سایر اصحاب نام‌آور قلم) یک شبه و در نگارش نخست خود، به جایگاه فعلی اش نرسیده و پشتوانه‌ای محکم از پشتکار و تلاش در ورای نوشته‌های نمایشی او وجود دارد.

نام مجموعه حاضر را پیش از روزنه آبی نهاده‌ام، تا موقعیت زمانی و حرفه‌ای رادی در آن نمایان باشد. در همین جا بر خود لازم می‌دانم از همکاری صمیمانه بنیاد رادی به ویژه سرکار خانم حمیده بانو عنقا که شرایط چاپ این آثار را فراهم کردند سپاس‌گزاری کنم. هم‌چنین تقدیر و سپاس از آقای مجید شمس‌الدین مدیر محترم نشر خاموش بر من فرض است، که بر این نوشته‌ها رخت عافیت پوشاندند.

خوانش و تصحیح این آثار برای من تجربه‌ای مغتنم بود و یقیناً خوانندگان این آثار هم هنگام مطالعه آن‌ها، جوانی و نوخاستگی رادی را از یک سو، و عدم اصرار او برداستان‌نویس بودن از سوی دیگر را مد نظر خواهند داشت.

بهروز محمودی بختیاری

زمستان ۱۳۹۷